

انگیزه‌های استفاده از احادیث نبوی در فضایل قزوین

علی‌محمد ولوی،* هانیه بیک**

چکیده

هر چند جغرافیا و موقعیت مکانی، امتیازی برای کرامت و فضیلت ساکنان نیست، اما ذکر محاسن و فضایل شهرها، سنت رایجی برای تفاخر و برتری‌جویی بوده است. از میان جنبه‌های مختلف قابل تفاخر در مورد شهرها، احادیث نبوی ارزش‌مندترین امتیاز درباره‌ی آن‌ها است. در این میان، شهر قزوین از حیث تعداد احادیث وارده، منحصر به فرد است. لذا این پژوهش بی‌آن‌که درباره‌ی میزان صحت و اعتبار احادیث نظری بدهد، با رویکردی توصیفی و استفاده از روش نظریه زمینه‌ای (بنیادی)، از طریق کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها و مقایسه‌ی مداوم مقوله‌ها و مضامین، به یافتن انگیزه‌های غالب در استفاده از احادیث نبوی برای ذکر فضایل این شهر پرداخته است و «تولید فرهنگ مرزبانی مردمی» را به عنوان مقوله‌ی اصلی در این موضوع، پیشنهاد می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: احادیث نبوی، فضایل، قزوین، رابطه.

* استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهراء(س). (v.am144@yahoo.com)

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء(س). (hanieh.beik@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۵/۰۶ - تاریخ تأیید: ۹۳/۰۲/۰۲

مقدمه

ذکر محاسن و فضایل شهرها برای تفسیر و برتری‌جویی، سنت رایجی بوده است. گزاره‌های بسیاری در این زمینه در متون تاریخی، جغرافیایی، روایی و به‌ویژه تاریخ‌های محلی آمده، چنان‌که در برخی از آن‌ها، فصلی را به خود اختصاص داده است. این گزاره‌ها در قالب آیات قرآن، احادیث نبوی، سخنان ائمه، معارف و خود نویسندگان قابل شناسایی و مطالعه است. استفاده از آیات قرآن در این زمینه، محدود و بیشتر مربوط به تفسیرهایی است که از آن‌ها شده است؛ اما احادیث پیامبر(ص) از حیث تعداد و نیز جایگاه آن پس از قرآن، با ارزش‌ترین امتیازی است که در محاسن و فضایل شهرها وارد شده است. تأمل در آموزه‌های قرآن و سیره‌ی نبوی نشان می‌دهد که شرافت و کرامت انسان به عنوان یک فرد یا هلاکت و نابودی انسان‌ها به عنوان یک قوم، در گرو انجام وظایف شخصی و جمعی در چارچوب رفتارهای عادلانه است؛ بنابراین انگیزه‌ی تولید چنین احادیثی برای تقدیس و تکریم شهرها و ساکنان آن، موضوعی قابل توجه و پی‌گیری است.

محاسن یا نیکویی یک شهر، ویژگی‌هایی چون آب و هوا و طبیعت مساعد و عوامل دیگری است که وجه امتیاز شهر نسبت به بسیاری از شهرها به شمار می‌رود؛ اما فضایل یا وجوه برتری یک شهر، ویژگی‌ها و امتیازاتی است که آن شهر را نه از لحاظ طبیعت، بلکه از لحاظ جنبه‌های معنوی و غیرمادی مانند: ارزش زندگی یا توقف در آن را شامل می‌شود و نسبت به محاسن، جزئی‌تر و اختصاصی‌تر است.

گرچه احادیث مورد نظر در کتاب‌های تاریخ محلی، جایگاه مهم و قابل توجهی دارند، اما مورد تأمل و نقد قرار نگرفته‌اند و نویسندگان این آثار، تنها در برخی موارد به ذکر «الله اعلم» اکتفا کرده‌اند. در دوره‌های متأخر نیز اثر مشخصی در این زمینه، نوشته نشده است؛ تنها در کتاب‌ها و مقاله‌هایی که به موضوع جعل حدیث پرداخته شده، گاهی ضمن بیان مصادیق احادیث جعلی، به این‌گونه احادیث نیز اشاره شده است، اما در این باره، نگارش دو مقاله قابل ذکر است: «انگیزه‌های فضیلت‌سازی برای اقوام و شهرها»^۱ و «انگیزه‌های

۱. منصوره کریمی قهی، «انگیزه‌های فضیلت‌سازی برای اقوام و شهرها»، نامه تاریخ پژوهان، س ۴، ش ۱۵،

سیاسی در جعل روایات مدح و ذم بلاد^۱. این دو مقاله، چنان‌که از عنوان آن‌ها برمی‌آید، با نگاهی کلی به موضوع پرداخته‌اند؛ اولی، با فرض این‌که این احادیث ساختگی است، برخی از آن‌ها را در کنار دیگر گزاره‌های فضایل اقوام و شهرها، بررسی کرده و به اثبات سه فرضیه گرایش‌های قومی، انگیزه‌های سیاسی (رقابت برای کسب قدرت و مشروعیت سیاسی) و اختلاف‌های مذهبی پرداخته است؛ دومی نیز با همان فرض ساختگی بودن احادیث، به بررسی انگیزه‌های سیاسی آن پرداخته است؛ بنابراین شاید بهتر باشد انگیزه‌های فضیلت‌سازی را به صورت موردی و به گونه‌ای دقیق‌تر و عمیق‌تر جست‌وجو کرد. از سوی دیگر، در هر دو مقاله، طرح فرضیه در ابتدای پژوهش، موجب جهت‌گیری نویسندگان در گزینش احادیث شده است که این موضوع از میزان اعتبار نتیجه تا اندازه‌ای می‌کاهد. بنابراین در این نوشتار، با محدود کردن حوزه‌ی پژوهش به یک شهر و استفاده از روش نظریه‌ی بنیادی سعی در افزایش دقت و عمق و اعتبار نتیجه شده است.

از میان شهرهایی که در تاریخ‌های محلی موجود ایران تا سده‌ی هفتم^۲ در محاسن و فضایل آن‌ها احادیث نبوی وارد شده، قزوین با چهل حدیث، منحصر به فرد است. مجموع این احادیث، در مقدمه کتاب *التدوین فی اخبار قزوین* تألیف رافعی قزوینی (م ۶۲۳ق) آمده است.^۳ این کتاب، در شمار زندگی‌نامه‌های محلی است که به شرح حال شخصیت‌های این شهر پرداخته است. رافعی قزوینی در تقسیم‌بندی دقیقی که در مقدمه صورت داده، محاسن و فضایل هر شهر را به دو دسته منقوله و مستنبطه تقسیم کرده است. فضایل منقوله، خود به دو دسته‌ی اخبار و آثار تقسیم شده‌اند؛ اخبار عبارت‌اند از احادیث نبوی و آثار، سخنان صحابه، تابعین و دیگر بزرگان درباره این شهرها و نواحی. مستنبطه نیز فضایی هستند که

۱. محمود کریمی و سعید طاووسی مسرور، «انگیزه‌های سیاسی در جعل روایات مدح و ذم بلاد»، دانش سیاسی، ش ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۸۵-۱۲۷.

۲. عبدالرحیم قنوت، *تقد و بررسی تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره‌ی اسلامی تا سده‌ی هفتم ق*، به راهنمایی دکتر اصغر منتظرالقائم و دکتر محمدعلی چلونگر، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.

۳. عبدالکریم رافعی قزوینی، (۱۴۰۸هـ - ۱۹۰۸م)، *التدوین فی اخبار قزوین*، ج ۱، ضبط نصّه و حقق متنه الشیخ عزیزالله العطاردی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

از حوادث و شگفتی‌هایی گرفته شده‌اند که بر شهر یا ناحیه مورد نظر و مردم آن رفته است.^۱ این پژوهش، به بخش اخبار از فضایل منقوله می‌پردازد و بی‌آن‌که درباره‌ی میزان صحت و اعتبار آن‌ها نظری داشته باشد، صرفاً به ظرفیت‌های تاریخی و جغرافیایی آن‌ها توجه کرده و سعی می‌کند به دریافت انگیزه‌های غالب در تولید آن‌ها برسد.

روش پژوهش

این پژوهش، با رویکردی توصیفی و به کارگیری روش نظریه بنیادی (زمینه‌ای)،^۲ بر اساس صورت‌بندی الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین،^۳ به بررسی گزاره‌های فضایل قزوین در گفتار پیامبر(ص) می‌پردازد. بر اساس این روش، داده‌ها و اسناد گردآوری شده، در فرآیند دقیق و عمیق تحلیل و متکی به مقایسه مداوم،^۴ کدگذاری می‌شوند.^۵ در فرآیند کدگذاری، مقوله‌ها^۶ و مضامین^۷ تحقیق ظهور می‌کنند؛ آن‌گاه پژوهش‌گر با ارائه‌ی تفسیرها و تطبیق مداوم مقوله‌ها و مضامین، مختصات و ویژگی‌های مقوله و ارتباط میان آن‌ها را کشف کرده و می‌تواند در مراحل بعد تا خلق نظریه پیش رود.

حساسیت نظری،^۸ نمونه‌گیری نظری^۱ و اشباع نظری،^۲ سه ویژگی کلیدی این روش هستند. در طراحی الگوی پارادایمی نظریه بنیادی، پژوهش‌گر به‌طور مداوم میان تفکر

۱. همان، ص ۴۴-۴۱.

2. Grounded Theory

3. A. Strauss & J. Corbin, (1998), *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*, Los Angeles, Calif, Sage Publications, 2nd ed, p. 140.

(این کتاب با عنوان مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای توسط ابراهیم افشار ترجمه

و در نشر نی به چاپ رسیده است)

4. Constant comparison

5. J. W. Creswell, (2007), *Qualitative Inquiry & Researches Design, Choosing Among Five Approaches*, London, Sage Publication, p. 64.

6. Categories

7. Themes

۸. حساسیت نظری (Theoretical sensitivity) مربوط به ظهور مفاهیم در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات است

و بر مفاهیمی که ظهور می‌کنند، متمرکز می‌شود. فرآیندی که قبل از جمع‌آوری اطلاعات آغاز و در طول

جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها ادامه می‌یابد

استقرایی (ایجاد مفاهیم، مقولات و روابط بین آن‌ها) و تفکر قیاسی (آزمون مفاهیم، مقولات و روابط بین آن‌ها) در رفت و آمد است.^۳ همچنین در این روش، سعی می‌شود با استفاده از تکنیک‌های در پرانتز گذاشتن ایده‌های شخصی، تا حد امکان از پیش‌داوری و پیش‌فرض دوری شود. این امر موجب تقویت فهم و افزایش دقت و عمق می‌شود.

روش نظریه‌ی زمینه‌ای، ابتدا در جامعه‌شناسی توسعه‌یافته استفاده و سپس در رشته‌هایی چون روان‌شناسی، مردم‌شناسی، پرستاری، تعلیم و تربیت و مدیریت نیز با اندکی تفاوت در برخی اصول روشی به کار گرفته شد.^۴ در این پژوهش، قابلیت استفاده و کیفیت کارآمدی این روش در مطالعات تاریخی نشان داده می‌شود. این نکته قابل توجه است که روش نظریه‌ی زمینه‌ای، ما را به یافتن انگیزه‌های استفاده از احادیث نبوی در محاسن و فضایل شهر قزوین می‌رساند که در قالب فرضیه، در انتهای پژوهش خواهد آمد، اما علت‌یابی و تبیین موضوع که پس از تولید فرضیه آغاز می‌شود، به علت لزوم تغییر رویکرد، روش و گستردگی مطالعات، بر عهده‌ی پژوهش حاضر نخواهد بود. همچنین این نوشتار هیچ‌گونه ادعایی مبنی بر کامل و بی‌نقص بودن کدگذاری‌ها و رمزگشایی‌ها ندارد و راه برای پژوهش‌های دقیق‌تر در این زمینه، بر اساس این روش هم‌چنان باز است.

Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory, p.42.

۱. نمونه‌گیری نظری (Theoretical sampling)، بر این اساس است که پژوهشگر برای جمع‌آوری اطلاعات به کجا توجه کند تا بتواند به توسعه فرضیه و نظریه بپردازد. تمرکز اساسی بر نمونه‌گیری در نظریه‌بنیادی بر ایده‌ها است، نه بر افراد نمونه (Ibid, p. 201).

۲. (Theoretical saturation)؛ مقوله‌هایی که در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات ظهور و توسعه می‌یابند، باید در فرآیند نمونه‌گیری نظری، اشباع شوند. اشباع نظری آن‌گاه اتفاق می‌افتد که پژوهش‌گر نسبت به تبیین نظری پژوهش، مطمئن شود (Ibid, p. 213).

3. Ibid, p. 137.

4. C. Goulding, "The commodification of the past, postmodern pastiche, and the search for authentic experiences at contemporary heritage attractions". *European Journal of Marketing*, vol 34, Iss 7, 2000, p. 836.

متن احادیث نبوی در فضایل قزوین

التدوین فی اخبار قزوین، تنها تاریخ محلی به جا مانده با موضوع خاص قزوین است.^۱ رافعی قزوینی چهل حدیث در فضایل این شهر و اهل آن، در مقدمه کتاب آورده است. این اثر، به دلیل تقدم بر سایر منابع موجود در این موضوع و نیز کامل بودن احادیث، مبنای این نوشتار قرار گرفته است. متن احادیث به ترتیب چنین است:^۲

- ۱- اغزوا قزوین، فانه من اعلی ابواب الجنه.
- ۲- اغزوا قزوین ای اقصودها للمرابطه بها و الجهاد فیها، فانه من اعلی ابواب الجنه.
- ۳- یکون فی آخر الزمان قوم بقزوین یضیی نورهم للشهداء کما تضیی للشمس لأهل الدنیا.
- ۴- یفتح علیکم الآفاق، و یفتح علیکم مدینه، یقال لها قزوین، من رابط فیها أربعین صباحا کان له فی الجنه عمود من ذهب، علی رأسه قبه من یاقوت حمراء علی رأسها سبعون ألف مصراع علی کل باب منها زوجة من الحور العین مشهور.
- ۵- یحول الله تعالی ثلاث قری من زبرجده خضراء تزف إلى أزواجهن، عسقلان و الاسکندریه و قزوین کذا کان فی الأصل.
- ۶- إن جبلا من جبال فارس بأرض الدیلم یقال له قزوین نبائی خلیلی جبرئیل علیه السلام قال یحشرون یوم القیامه فیقومون علی ابواب الجنه صفوفا، و الخلائق فی الحساب و هم یجدون رائحه الجنه.
- ۷- لو لا أن الله أقسم بيمينه و عهد أن لا یبعث بعدی نبیا لبعث من قزوین ألف نبی.
- ۸- بابان مفتوحان فی الجنه عبادان و قزوین.

۱. درباره قزوین، اثر دیگری با نام تاریخ قزوین و فضائلها از ابویعلی خلیل بن عبدالله بن احمد قزوینی (م ۴۴۶هـ) تألیف شده است که متأسفانه نسخه‌ای از آن در دست نیست (درباره کتاب و نویسندگانش نک: التدوین فی اخبار قزوین، ج ۲، ص ۵۰۱؛ ابن کثیر، (۱۹۸۶م)، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، ج ۱، ص ۵۲؛ ابن عساکر، (۱۹۹۵)، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۶، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر، ص ۲۷۱). از واژه‌ی فضائل در عنوان کتاب، برمی‌آید که مقدمه‌ای داشته در فضائل شهر که علی‌القاعده حاوی احادیثی از پیامبر(ص) و دیگر بزرگان بوده است. احتمال می‌رود رافعی از این بخش بهره‌ی بسیار برده باشد.

۲. التدوین فی اخبار قزوین، ج ۱، ص ۴۰-۵.

- ۹- إني لأعرف أقواما يكونون في آخر الزمان، قد اختلط الايمان بلحومهم ودمائهم، يقاتلون في بلده يقال لها قزوين، تستاق إليهم الجنة و تحن كما تحن الناقه إلى ولدها.
- ۱۰- ما من قوم أحب إلى الله تعالى من قوم حملوا القرآن، و ركبوا إلى التجاره التي ذكر الله تعالى تنجيكم من عذاب أليم، و قرأوا القرآن و شهروا السيوف يسكنون بلده يقال لها قزوين يأتون يوم القيامة و أوداجهم تقطر دما يحبهم الله و يحبونه لهم ثمانية أبواب الجنة، فيقال لهم ادخلوا من أيها شئتم.
- ۱۱- أنه سيكون في آخر الزمان قوم ينزلون مكانا يقال له قزوين يكتب لهم فيه، قتال في سبيل الله.
- ۱۲- ينظر الله إلى أهل قزوين في كل يوم مرتين، فيتجاوز عن سيئهم و يقبل من محسنهم.
- ۱۳- يخرج الدجال من يهوديه اصبهان حتى يأتي الكوفه فيلحقه قوم من الطور و قوم من ذى يمن و قوم من قزوين.^۱
- ۱۴- قيل يا رسول الله: و ما قزوين. قال قوم يكونون بآخره يخرجون من الدنيا زاهدا، فيها يرد الله بهم قوما من الكفر إلى الايمان.
- ۱۵- سيكون جهاد، و رباط بقزوين يشفع أحدهم في مثل ربيعه و مضر.
- ۱۶- من سره أن يفتح الله له بابا من أبواب الجنة، فليشهد بابا من أبواب العجم مكانه رهبان بالليل ليوث بالنهار.
- ۱۷- من سره أن يحرم الله وجهه، و بدنه على النار فليمت بقزوين كأن المعنى فليقم بها مرابطا إلى أن يموت.
- ۱۸- صلوات الله على أهل قزوين، فان الله ينظر إليهم في الدنيا، فيرحم بهم أهل الأرض.
- ۱۹- من سره أن يختم له بالشهادة و السعاده، فليشهد باب قزوين.
- ۲۰- إن الله و ملائكته يصلون في كل يوم و ليله على موتى قزوين و التجار و شهداؤهم مائه صلاه. يمكن أن يكون المراد من الموتى الذين رابطوا إلى أن ماتوا فيلحقون بالشهداء.

۱. نویسنده در شرح حدیث آورده است «فيلحقه قوم، یعنی قاصدين له را دين عليه» (همان، ص ۱۲).

- ۲۱- عليك بالإسكندريه أو بقزوين، ستفتحان على امتي و أنهما بابان من أبواب الجنه من رابط فيهما أو في أحديهما ليله واحده خرج من ذنوبه كيوم ولدته أمه.
- ۲۲- قزوين باب من أبواب الجنه هي اليوم في أيدي المشركين و سيفتح على يدي أمتي من بعدى المفطر فيها كالصائم في غيرها و القاعد فيها كالمصلي في غيرها و أن الشهيد فيها، يركب يوم القيامة على براذين من نور، فيساق إلى الجنه ثم لا يحاسب على ذنب أذنبه، و لا عمل عمله و هو في الجنه خالدًا، و يزوج من الحور العين و يسقى من الألبان و العسل و السلسبيل فطوبى للشهداء فيها مع ماله عندالله من المزيد.
- ۲۳- رحم الله إخواني بقزوين. قالوا يا رسول الله ما قزوين و ما إخوانك. قال بلده في آخر الزمان يقال لها قزوين إن الشهيد فيها يعدل عندالله شهداء بدر.
- ۲۴- يكون في آخر الزمان ترعه من ترع الجنه يعنى بابا من أبواب الجنه يقال له قزوين، فمن أدركها فليرابطها و يشركني في رباطها أشركه في فضل نبوتي.
- ۲۵- قال المرابطون بقزوين، و الروم و ساير المرابطين في البلاد يختم لكل من رابط منهم في كل يوم و ليله أجر قتيل في سبيل الله متشطح في دمه.
- ۲۶- ترك قزوين حسره و أتبانها بركه، و الجنه الى أهلها مسرعه.
- ۲۷- إنها تجى يوم القيامة و لها جناحان تطير بهما بين السماء و الأرض من دره بيضاء مجوفه بأهلها تنادى أنا قزوين قطعه من الفردوس من دخلني حتى أشفع له إلى ربي؛ و في بعض نسخ قطعت من الفردوس.
- ۲۸- من بات ليله بقزوين على قدر فرق ناقه بعث الله تعالى من كل سماء سبعين ألفا من الملائكه مع كل ألف ملك دفتر من نور و أقلام من نور يستمدون من نهر من نور يكتبون ثوابه إلى ينفخ في الصور.
- ۲۹- اللهم أرحم أخواني بقزوين قلنا و من إخوانك هؤلاء قال قزوين باب من أبواب الجنه يقاتلون الديلم الشهداء فيهم، كشهداء بدر.
- ۳۰- يكون لأمتي مدينه يقال لها قزوين الساكن بها أفضل من ساكن الحرمين، كأنه يريد أن السكون بها للمرابط أفضل.

- ۳۱- أفضل الثغور أرض ستفتح يقال لها قزوین من بات بها ليله احتسابا مات شهيدا و بعث مع الصديقين في زمرة النبيين، حتى يدخل الجنة.
- ۳۲- ذات يوم قاعد معنا إذ رفع بصره إلى السماء كأنه يتوقع أمرا فقال رحم الله إخواني بقزوین. يقولها ثلاثه.
- ۳۳- قزوین باب من أبواب الجنة و هي اليوم في يد المشركين، ستفتح في آخر الزمان على أمتي فمن أدرك ذلك الزمان فليأخذ نصيبه من فضل الرباط بقزوین.
- ۳۴- قزوین أرض من أرض ديلم و هي اليوم في يد المشركين و ستفتح على أمتي و تكون رباطا لطوائف من أمتي فمن أدرك ذلك فليأخذ نصيبه من فضل رباط قزوین فإنه يستشهد بها قوم يعدلون شهداء بدر.
- ۳۵- قزوین باب من أبواب الجنة يحشر من مقبرتها كذا و كذا ألف شهيد.
- ۳۶- ستفتح على أمتي مدينتان، أحدهما من أرض الديلم يقال لها قزوین و الأخرى من أرض الروم، يقال لها الإسكندريه من رباط في أحدهما يوما أو قال يوما و ليله و جبت له الجنة.
- ۳۷- يفتح مدينتان في آخر الزمان مدينه الروم و مدينه الديلم أما مدينه الروم الإسكندريه و مدينه الديلم قزوین من رباط في شئ منهما خرج من ذنوبه كيوم ولدته أمه.
- ۳۸- يكون في آخر الزمان بلده بقرب الديلم يقال لها قزوین، هي باب من أبواب الجنة من عمل في عماره سورها و لو بقدر كفّ من طين غفر الله له ذنوبه صغيرها و كبيرها.
- ۳۹- من بات بالرى ليله واحده صلى فيها و صام فكأنما في غيره ألف ليله صامها و قامها. خير خراسان نيشابور و هرات ثم بلخ، ثم أخاف على الرى و قزوین أن تغلب عليهما العدو و الثغر هو الموضع الذى يخاف عليه من غلبه العدو و قوله ليله واحده صلى فيها و صام أى ليله واحده بيومها.
- ۴۰- يفتح مدينتان في آخر الزمان مدينه الروم و مدينه الديلم أما مدينه الروم فالإسكندريه، و مدينه الديلم قزوین.

تعریف و تحدید واژگان کلیدی احادیث

برای آگاهی دقیق‌تر از فرآیند رمزگشایی واژگان و مفاهیم احادیث، تعریف واژگان جهاد، غزا و رابطه ضروری است. این سه واژه، دارای معانی متفاوتی هستند. جهاد از ریشه «جهد» یعنی تلاش و کوشش همراه با سختی و مشقت است،^۱ رابطه از ریشه «ربط» یعنی بستن و مراقب کردن،^۲ و غزا از ریشه «غزو» است.^۳ در میان این سه واژه، «غزا» تنها واژه‌ای است که به معنای خروج برای جنگ با دشمن است. دو واژه «جهاد» و «رابطه» در اصطلاح نظامی، به مفهوم جنگ نزدیک می‌شود. جهاد معنای جنگ با دشمن می‌یابد^۴ و رابطه معنایی که بار نظامی داشته و به معنی تدارک تجهیزات نظامی و مستقر کردن آن در مرزها، برای جلوگیری از هجوم دشمن یا آمادگی برای حمله به دشمن است^۵ که در زبان فارسی، به مرزبانی معنا می‌شود. بنابراین، غیر از واژه‌ی غزا که فقط در مفهوم نظامی استفاده می‌شود، دو واژه‌ی دیگر می‌توانند دارای مفاهیم غیر نظامی نیز باشند. مثلاً جهاد را می‌توان در مفهوم جهاد اقتصادی، جهاد فرهنگی، جهاد با نفس و نظایر آن به کار برد. رابطه نیز می‌تواند در مفاهیمی چون، ارتباط افراد جامعه با یکدیگر یا ارتباط چند موضوع با هم کاربرد داشته باشد. در این پژوهش، با توجه به روش به کار گرفته شده، مفاهیم نظامی و غیر نظامی این واژگان، هر دو، مورد نظر بوده است.

-
۱. ابن منظور، لسان العرب، (۱۳۷۴-۱۳۷۵هـ)، ج ۳، بیروت: دارصادر، «جهد»؛ راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالقلم، «جهد»؛ حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، (۱۴۳۰هـ)، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، «جهد».
 ۲. لسان العرب، ج ۷، «ربط»؛ مفردات ألفاظ القرآن، «ربط»؛ فخرالدین بن محمد طریحی، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، ج ۴، تحقیق محمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، «ربط».
 ۳. لسان العرب، ج ۱۵، «غزو»؛ مفردات ألفاظ القرآن، «غزو»؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، «غزو».
 ۴. همان، ج ۳، «جهد»؛ مفردات ألفاظ القرآن، «جهد»؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، «جهد».
 ۵. همان، ج ۷، «ربط»؛ مفردات ألفاظ القرآن، «ربط»؛ مجمع البحرین، ج ۴، «ربط».

سطح یک: کدگذاری باز^۱ - شناسایی مفاهیم احادیث

در این سطح، برای شناسایی، نامیدن و پروراندن مفاهیم، داده‌ها (احادیث) به صورت مجزا خرد و شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان در بررسی موشکافانه‌ای مقایسه می‌شوند. پس از شناسایی مفاهیم هر یک از احادیث، داده‌ها بر اساس ماهیت یکسان مفهومی و یا طیف یکسان معنایی، ذیل مفاهیم انتزاعی‌تر «مقوله‌یابی» می‌شوند.

عمده‌ی مقوله‌هایی که از مضمون هر یک از احادیث نبوی به دست آمده، در ارزش و فضیلت شهر (مانند: دری از درهای بهشت، قطعه‌ای از بهشت، افضل ثغور، مورد توجه خاص و مدح و صلوات خداوند و فرشتگان)، فضیلت ساکنان آن و حتی کسانی که یک شب یا یک روز در آن توقف کنند (مانند: مؤمن، حامل و قاری قرآن، مجاهد، زاهد، عابد، شجاع، شهید، همواره در مقام روزه و نماز، مورد محبت و مدح خدا و پیامبر(ص)، افضل مرابطان، افضل ساکنان حرمین، افضل مردم)، پادشاه‌های اخروی برای ساکنان (مانند: عدم بازخواست اعمال، مقام شهید، هم‌مرتب‌ه شهدای بدر، اختصاص هشت باب بهشت برای ایشان، مقام شفاعت، بالاترین مراتب بهشت) و نیز فتح، غزا، جهاد و مرابطه است.

سطح دو: کدگذاری محوری^۲ - شناسایی مقوله‌های محوری

پس از کدگذاری باز و یافتن مفاهیم و مقوله‌های احادیث در سطح یک، در این مرحله، مقوله‌های محوری احادیث و ارتباط آن‌ها با مقوله‌های فرعی در ویژگی‌ها و ابعادشان، شناسایی و بر اساس الگوی پارادایمی نظریه‌ی بنیادی در پنج بخش، شرایط سبب‌ساز (علّی)، شرایط دخیل، شرایط متکی بر زمینه، عمل/تعامل‌های راهبردی و پیامد، رمزگشایی شده‌اند که در جدول ذیل قابل ملاحظه است. با توجه به این که بر اساس این الگو، کشف مقوله‌ها از درون داده‌ها (متن احادیث) صورت می‌گیرد، مقوله‌های پیامد - با توجه به تعریف این نوع مقوله در الگوی پارادایمی مورد استفاده - از درون داده‌ها (احادیث) قابل شناسایی نبودند، بنابراین ستون مربوط به آن در جدول حاضر حذف شده

1. Open coding

2. Axial coding

است. تحلیل نتایج جدول برای یک پارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در مرحله بعدی صورت گرفته است.

شماره حدیث	مقوله محوری	شرایط سبب‌ساز	شرایط دخیل	شرایط متکی بر زمینه	عمل/تعامل راهبردی
۱	تشویق به غزا	موقعیت منطقه (موضع غزا)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	قداست‌زایی بالا برای شهر
۲	تشویق به غزا و مرابطه و جهاد	موقعیت منطقه (موضع غزا و مرابطه و جهاد)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	قداست‌زایی بالا برای شهر
۳	فضیلت دادن به اهل شهر				فضیلت بالای شهدای شهر
۴	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (نعر)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	وعده پاداش عظیم اخروی
۵	فضیلت دادن به شهرهای عسقلان، اسکندریه و قزوین	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	قداست‌زایی برای عسقلان، اسکندریه و قزوین
۶	فضیلت دادن به اهل شهر				وعده پاداش عظیم اخروی
۷	فضیلت دادن به اهل شهر				قداست‌زایی برای شهر
۸	فضیلت دادن به اهل شهر				قداست‌زایی برای شهر
۹	تشویق به جهاد	موقعیت منطقه (موضع جهاد)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	فضیلت دادن به اهل شهر در ایمان بالا و صاحب پاداش عظیم اخروی

انگیزه‌های استفاده از احادیث نبوی در فضایل قزوین ۱۲۱

۱۰	تشویق به جهاد	موقعیت منطقه (موضع جهاد)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	فضیلت دادن به اهل شهر (صاحب پاداش عظیم اخروی)
۱۱	تشویق به جهاد	موقعیت منطقه (موضع جهاد)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	صاحب پاداش عظیم اخروی
۱۲	فضیلت دادن به اهل شهر				صاحب پاداش عظیم اخروی
۱۳	فضیلت دادن به اهل شهر				از قیام‌کنندگان علیه دجال
۱۴	فضیلت دادن به اهل شهر				زهد بالا و عامل خروج دیگران از کفر به ایمان
۱۵	تشویق به جهاد و مرابطه	موقعیت منطقه (موضع جهاد و مرباطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	فضیلت اهل شهر در برابری با ربیع و مضر و صاحب مقام شفاعت
۱۶	تشویق به جهاد و مرابطه و زهد	موقعیت منطقه (موضع جهاد و مرباطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	وعده پاداش اخروی
۱۷	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	وعده پاداش عظیم اخروی
۱۸	فضیلت دادن به اهل شهر				مشمول صلوات خداوند و واسطه رحم او بر مردمان
۱۹	فضیلت دادن به شهر				عامل دریافت پاداش اخروی
۲۰	تشویق به مرباطه، تجارت و شهادت	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	فضیلت بالای اهل شهر (مشمول صلوات خداوند)
۲۱	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	قداست‌زایی برای شهر و وعده پاداش اخروی برای اهل آن

۲۲	فضیلت دادن به شهر و اهلس	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	عامل دریافت پاداش (عظیم اخروی)
۲۳	فضیلت دادن به شهر	موقعیت منطقه (موضع جهاد)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	شهر (برادری با پیامبر) و عامل دریافت پاداش عظیم اخروی (برابری مقام شهدائش با شهداء بدر)
۲۴	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	فضیلت بالای شهر و اهلس (شریک در نبوت زکریا(ع))
۲۵	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	فضیلت اهل شهر (صاحب پاداش عظیم اخروی)
۲۶	فضیلت دادن به شهر				برکت بسیار و عامل پاداش اخروی
۲۷	فضیلت دادن به شهر				قداست زایی برای شهر و عامل شفاعت اهلس
۲۸	فضیلت دادن به شهر				وعده پاداش عظیم اخروی به اهل شهر
۲۹	فضیلت دادن به شهر				قداست زایی برای شهر و عامل دریافت پاداش عظیم اخروی (برابری مقام شهدائش با شهداء بدر)
۳۰	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	فضیلت دادن به اهل شهر (برتری بر ساکنان حرمین به علت مرابطه)
۳۱	فضیلت دادن به شهر	موقعیت منطقه (نغر)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم	وعده پاداش عظیم اخروی به اهلس (مقام شهادت و صدیقین)

انگیزه‌های استفاده از احادیث نبوی در فضایل قزوین ۱۲۳

۳۲	فضیلت دادن به اهل شهر			مشمول دعای اکید پیامبر (ص) با خطاب اِخوانی
۳۳	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم
۳۴	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم
۳۵	فضیلت دادن به شهر			عامل پاداش عظیم اخروی (مقام شهدای بدر برای مرابطانش)
۳۶	تشویق دادن به شهر			قداست‌زایی برای شهر و درجه بالای شهیدپروری آن
۳۶	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم
۳۷	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم
۳۸	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم
۳۸	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم
۳۹	تشویق به مرابطه	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم
۴۰	خبر فتح اسکندریه و قزوین	موقعیت منطقه (موضع مرابطه)	هجوم دشمنان	میزان بالای هجوم

سطح سه: کدگذاری گزینشی^۱ - کشف مقوله‌ی مرکزی

مقوله‌های محوری احادیث، به ترتیب فراوانی تشویق به رابطه، فضیلت اهل شهر، فضیلت شهر، تشویق به جهاد، غزا، شهادت، زهد، تجارت و خبر فتح است. در این سطح، برای پالایش و یک‌پارچه‌سازی مقوله‌ها و کشف مقوله‌ی مرکزی، ارتباط معنایی و ابعادی چهار مقوله‌ی نخست که در این احادیث به اشباع رسیده‌اند با مقوله‌های فرعی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این مسیر، آنچه از رمزگشایی مقوله‌ها (سطح یک و دو) به تکرار به ذهن می‌رسد، این است که دادن بالاترین مراتب فضیلت به شهر و اهل آن، در کنار نوع صفاتی که برای آن دو آمده است (به توضیحات سطح یک مراجعه کنید)، و نیز وعده‌ی پادشاه‌های عظیم اخروی به ساکنان، همه به موقعیت شهر و اهمیت آن معطوف می‌شود، به گونه‌ای که آنچه موجب ذکر چنین فضیلت‌ها و صفات و وعده‌ها شده، موقعیت نظامی این شهر به عنوان ثغر (حدیث ۳۱، ۳۹) است. این مطلب، در کنار مقوله‌ی تشویق به رابطه، که بیشترین فراوانی را در میان مقوله‌های محوری دارد، بهتر درک می‌شود و نشان می‌دهد فضایل شهر و اهالی آن، مترتب بر همین امر است.

نکته قابل توجه دیگر، این که مقوله‌ی تشویق به جهاد نیز در میان مقوله‌های به اشباع نرسیده، بیشترین فراوانی را دارد که نشان از نسبت نزدیک‌تر آن با مقوله‌ی رابطه است. بنابراین، موقعیت این شهر که در معرض هجوم مداوم دشمنان قرار داشته است، لزوم جهاد در رابطه را آشکار می‌سازد. پس باید نخست، روحیه ماندگاری در مردم این شهر تقویت شود و ضمن جلوگیری مردم از ترک این منطقه، راهبردهای حضور و آمادگی نظامی آنان مورد تأکید و تشویق قرار گیرد. علاوه بر این، وجود نیروی نظامی آماده برای جنگ یا دفاع، نیازمند حضور تعداد بیشتری از سایر مردم است؛ و این امر با برانگیختن انگیزه‌های آنان به وسیله احادیث امیدبخش امکان‌پذیر یا آسان می‌شود. گفتار پیامبر(ص)، با توجه به اعتقاد شدید مسلمانان به آن و باور وعده‌ها و بشارت‌ش، بهترین وسیله برای این منظور است. بدیهی است این احادیث، آن‌گاه که در منابر و مجالس و محافل نقل شود، تأثیر بسیاری در تشویق مردم به امور مورد نظر خواهد داشت؛ چنان‌که برای شهر قزوین تقویت نظامی مرزی، با استفاده از نیروی مردمی، مورد نظر بوده است.

1. Selective coding

نتیجه

موضوع مشترک اکثر قریب به اتفاق احادیث نبوی در فضایل شهر قزوین و اهل آن، تشویق به رابطه و پاداش‌های اخروی مربوط به آن است. علت این امر را می‌توان در موقعیت قزوین به عنوان یک شهر نظامی، در یک نقطه‌ی جغرافیایی سوق‌الجیشی، جست‌وجو کرد. منطقه‌ای که همواره در معرض هجوم نظامی و یا نقطه‌ی عزیمت هجوم بوده و لازم است حیثیت نظامی و هویت مرزی آن حفظ و تقویت شود. بنابراین باید حداکثر تلاش برای تشویق مردم به اسکان، عمران و نگهداری شهر و تحریک آنان در دفاع از آن و حمله به مناطق شمالی، برای گسترش دامنه‌ی فتوحات صورت پذیرد. اعتقاد شدید مردم به احادیث نبوی، موجب استفاده از آن‌ها به عنوان وسیله‌ی راهبردی این امر شده است. بنابراین، بر اساس روش نظریه‌ی زمینه‌ای، به نظر می‌رسد «انگیزه‌ی غالب در استفاده از احادیث نبوی برای بیان فضایل قزوین، تولید فرهنگ مرزبانی مردمی بوده است». بدیهی است این فرضیه، در سنجش با دیگر داده‌ها و استفاده از روش‌های پژوهشی دیگر، قابل آزمون است.

Archive

فهرست منابع و مآخذ

- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی، (۱۹۹۵م)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل، (۱۹۸۶م)، *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۴-۱۳۷۵هـ)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالقلم.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم، (۱۴۰۸هـ، ۱۹۰۸م)، *التدوین فی اخبار قزوین*، ضبط نصّه و حقق متنه الشیخ عزیزالله العطاردی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تحقیق محمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
- کریمی قهی، منصوره، (پاییز ۱۳۸۷)، «انگیزه‌های فضیلت‌سازی برای اقوام و شهرها»، نامه تاریخ پژوهان، س ۴، ش ۱۵، ص ۸۰-۱۰۵.
- کریمی، محمود و سعید طاووسی مسرور، (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، «انگیزه‌های سیاسی در جعل روایات مدح و ذم بلاد»، دانش سیاسی، ش ۱۱، ص ۸۵-۱۲۶.
- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

منابع لاتین:

- Creswell, J. W, (2007), *Qualitative Inquiry & Researches Design, Choosing Among Five Approaches*, London, Sage Publication.
- Goulding, C, (2000), "The commodification of the past, postmodern pastiche, and the search for authentic experiences at contemporary heritage attractions", *European Journal of Marketing*, vol 34, Iss 7, pp 835- 853.
- Strauss, A, & Corbin, J, (1998), *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*, Los Angeles, Calif., Sage Publications, 2nd ed.